سلسلهٔ من يرد الله به خيراً يفقهه في الدين (۲۰)

خداوند به هر کس إراده خيرداشته باشد او را دردين آگاهی می‌دهد.

الدروس المهمة لعامة الأمة

درسهای مهم برای عموم أمت اسلامی

تألیف:

علامة عبدالعزيز بن عبدالله بن باز :

ترجمه:

إسحاق بن عبدالله دبيري العوضي

۱۴۲۶/۱۳۸۴هـ.

نام کتاب: **درسهای مهم برای عموم امت اسلام**
تألیف: **علامه بزرگ شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز.**
ترجمه: **اسحاق بن عبدالله دبیری.**
ناشر: **مترجم**
شمارگان: **۱۰,۰۰۰ نسخه**
نوبت چاپ: **اول ـ ١٤٢٣هـ . ق .**
چاپ: **چاپخانهٔ طیبه ـ عربستان سعودی ـ ریاض**

برای ارتباط با مترجم می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:
السعودية: الرياض ـ الرمز البريدي: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)
www.aqeedeh.com

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

«الحمد لله رب العالمين، و العاقبه المتقين، و صلي الله علي عبده و رسوله نبينا محمد و علي آله و اصحابه أجمعين»

اما بعد، اين جملات و عبارتهاي مختصر را كه شامل بيان واجبات دين اسلام براي عامه مردم است تحت عنوان (الدروس المهمه لعامه الامه).

«درسهاي مهم براي عموم امت اسلامي» را تقديم مى كنم به تمام تشنگان حقيقت. از خداوند متعال ميخواهم كه آن را براي مسلمانان سودمند قرار داده و به لطف و كرم خويش بپذيرد زيرا كه وي بسيار بخشنده و بزرگوار است.

عبدالعزيز بن عبدالله

درس اول :

آموزش سوره «فاتحه» و سوره هاي كوچك و كوتاه از سوره ى «زلزاله» تا آخر سوره «ناس» با روش تلقين و تلاوت صحيح آنها، و حفظ و از بر كردن آنها به همراه شرح و تفسير آنچـه كـه درك و فهم آن واجب است.

درس دوم :

اسلام داراي پنج ركن ميباشد، اولين و باعظمـت تـرين آن گواهي دادن به اين است كه هيچ معبودِ به حقـي جـز خداونـد يكتا وجود ندارد، و اينكه محمد e فرستاده و پيامبر خداسـت، با شرح معاني آن و بيان شروط «لا اله الا الله»، معناى (لا اله) آن است كه: هيچ معبودى بحق نيست، كه اين جمله تمامى آنچه را كه به جاى خداوند و به غيـر از او پرسـتش شـده و مـورد عبادت قرار مى‌گيرد بطور كلى و قطعى نفى و طرد مى‌كنـد. (إلاَّ الله): براى اثبات اين حقيقت اسـت كـه عبـادت بـا تمـام معانى و مفاهيمش تنها و تنها ويژه خداوند يكتا است، بـدون آنكه شريكى داشته باشد.

شروط «لا اله الا الله» عبارتند از:

1 ـ داشتن علم و دانش در فهم اين جمله كه خـودش كـاملاً مقابل جهل است.

2 ـ داشتن یقینی که با شک مخالف می‌باشد.
3 ـ داشتن اخلاصی که مخالف با شرک است.
4 ـ داشتن صداقت و راستی که با دروغ مخالفت دارد.
5 ـ دوستی و محبتی که با هر گونه دشمنی مخالفت دارد.
6 ـ تسلیم شدن محض در برابر آن بدون هر گونه مخالفت و اعتراض.
7 ـ پذیرفتن و قبولی که مخالف هر گونه انکار و رد کردن است.
8 ـ کفر ورزیدن و انکار و بیزاری از هر آنچه که به غیر از الله مورد عبادت و پرستش قرار می‌گیرد.

تمامی این موارد هشتگانه در دو بیت شعر زیر چنین آمده است:

«علم يقين وإخلاص وصدقك مع
محبه وانقياد والقبول لها
وزيد ثامنها الكفران منك بها
سوي الإله من الأشياء قد ألها»

با توجه به مفاهیم این شهادت که: محمد e فرستاده خداوند است مواردی همانند آنچه در پاراگرافهای بعدی می‌آید لازم الاجرا می‌باشد.

1 ـ تصدیق و باور کردن هر آنچه که از آن خبر داده است.
2 ـ اطاعت و فرمانبرداری از اوامر او.
3 ـ اجتناب و پرهیز از هر آنچه که نهی کرده و بر حذر داشته است.
4 ـ اینکه پرستش و عبادت خداوند تنها به روش و شیوه ای باشد که خودش فرموده و پیامبرش e بیان داشته است.

به دنبال آن سایر ارکان پنجگانه اسلام را شرح می‌دهد که عبارتند از: نماز، زکات، روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان، زیارت، و حج خانه خدا برای کسیکه توانایی مالی و جسمی آن را داشته باشد.

درس سوم: ارکان ایمان است که شامل شش (6) رکن می‌شود:
1 ـ ایمان آوردن به خداوند یکتا.
2 ـ ایمان آوردن به فرشتگان خداوند.
3 ـ ایمان آوردن به کتابهای آسمانی که خداوند برای بشریت فرستاده است.
4 ـ ایمان آوردن به تمامی پیامبران خدا(که برای هدایت و راهنمائی بشریت از جانب خداوند مهربان فرستاده شده اند).
5 ـ ایمان آوردن به روز قیامت (روز رستاخیز).

6 ـ ایمان آوردن به قضا و قدر (تقدیر و سرنوشت) و خیـر و شر آن، بدان معنا که هر آنچه پیش می‌آید از جانب خداونـد متعال است.

درس چهارم:

توحید به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از:

اول : توحید ربوبیت: ایمـان آوردن بـه الله کـه خـالق و آفریننده همه موجودات است و تنهـا او مـدبر و متـصرف در همه چیز و هر کاری است، حال آنکه هیچ شـریکی بـرای او وجود ندارد.

دوم : توحید الوهیت: ایمان آوردن به الله بدین معنا که وی تنها معبود بر حق است و هیچ شریکی ندارد، و این همان مفهوم و معنای (لا إله إلاَّ الله) است، یعنی هیچ معبودی بر حق غیر از خداوند یکتا نیست و وجود ندارد، و دیگر اینکه اخلاص داشتن در تمام عبادتها مانند: نماز، روزه، و... برای خداوند یکتا واجب است و نباید هیچ نوع از انواع عبادت را برای غیر خدا انجام داد ؛ زیرا این عمل نادرست و جایز نمی باشد.

سوم: توحید در اسماء و صفات خداوند یکتا: این بدان معناست که باید به هر آنچه که در ارتباط با اسماء و صـفات

الله در قرآن کریم و احادیث صحیح آمده است، ایمان آورد، و آنها را برای او چنان اثبات کنیم که توصیفش لایق به ذات وی ـ عزوجل ـ باشد بدون آنکه در این توصیف و اثبات، تحریفی، یا تعطیلی، یا بیان چگونگی، و یا تشبیهی راه یابد. همانگونه که خداوند سبحان در سوره اخلاص میفرماید:

«قل هو الله احد الله ...».

«(ای پیامبر به مردم) بگو: او همان الله است که یکتا و بیهمتا و همانند است، الله از همه موجودات بینیاز میباشد بگونه ای که تمامی موجودات هستی به او نیازمند هستند، او فرزندی نزاییده، و خودش هم زاییده نشده است (منحصر فرد و یکتا میباشد) و هیچ کس و هیچ چیز همتا و همانند او نیست».

در آیه ی 11، سوره شوری خداوند خود را این چنین معرفی میکند:

«لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر».

«هیچ چیزی همانند خداوند یکتا نیست، حال آنکه ـ به کردار، رفتار و نیات، بندگان ـ بسیار شنوا و بینا است».

گروهی از دانشمندان و علماء، توحید را به دو دسته تقسیم کرده اند. بدینصورت که توحیدِ در اسماء و صفات را

در توحید ربوبیت ادغام کرده و هر دو را یکی دانسته اند. این امر مشکلَی را پدید نمی‌آورد زیرا هر قسم کاملاً واضح و روشن می‌باشد.

انواع شرک:

1 ـ شرک اکبر.

2 ـ شرک اصغر.

3 ـ شرک مخفی و پنهانی.

شرک اکبر: شرک اکبر تمام اعمال و کردار نیک انسان را نابود کرده و وی را بصورت جاودان در دوزخ ماندگار می‌سازد. خداوند حکیم در آیه 88 سوره انعام چنین می‌فرماید: «و لو اشرکوا لحبط عنهم ما کانوا یعملون».

«اگر (آنان) به خداوند یکتا شرک بورزند قطعاً هر آنچه انجام می‌دادند از حساب اعمالشان پاک می گردد».

همچنین در جایی دیگر خداوند حکیم حالت مشرکین را چنین توصیف می‌کند: «ما كان للمشركين أن يعمروا مساجد الله شاهدين علي انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم وفي النار هم خالدون». { سوره توبه ، آیه ۱۷ }

«در شأن و منزلت مشرکان نیست که بخواهند مساجد الله را تعمیر و آباد سازند، حال آنکه به کفر خویش (با رفتار و

گفتارشان) گواهی می‌دهند. آنان یقیناً اعمالشان از بین رفته، و نـابود شـده و در آتـش دوزخ می‌باشـند، در حالیکـه در آن جاویدان خواهند بود».

هر کس که در حالت شرک بمیرد هرگز گناهانش بخشوده نخواهد شد و برای همیشه بهشت بر وی حرام می‌گردد، زیرا خداوند متعال در آیه 48 سوره نساء چنین می‌فرماید:

« ان الله لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء »

«خداوند (هرگز) نمی‌بخشاید از اینکه به او شرک ورزیده شود و غیر از آن (شرک) گناهان دیگر را برای هـر کـس کـه بخواهد، می‌بخشاید».

در آیه ای دیگر عاقبت مشرکان را چنین بیان میدارد:

« إنه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنه ومأواه النار ومـا للظالمين من أنصار »

{ سوره مائده ، آیه ٧٢ }

«به تحقیق هر کس که با خداوند یکتا (کـسی را) شـریک بگیرد (شرک آورد) قطعاً و یقیناً خداوند بر او بهشت را حرام می‌گرداند و تنها پناهگـاه و جایگـاهش آتـش سـوزان دوزخ است و (این را بدانید) که هیچ یاری دهنده ای (در آن حالت) برای ستمکاران (مشرکان) وجود نخواهد داشت».

از انواع شرک اکبر می‌توان موارد زیر را نام برد:

در دعاها، مردگان و بتها را خواندن، و از آنان کمک و مدد خواستن، و همچنین برای آنان نذر و قربانی کردن، و امثال این عبادت ها که ویژه خداوند یکتا است.

شرک اصغر: شامل مواردی می‌شود که در قرآن کریم و سنت صحیح پیامبر اکرم e با نص صریح از آنها به شرک یاد شده است ولی از جنس و نوع شرک اکبر نمی‌باشد مانند: ریاء در بعضی از اعمال و گفتار، سوگند خوردن به غیر نام خدا، یا آنکه گفته شود: ما شاء الله و شاء فلان (آنچه خدا بخواهد و فلانی بخواهد). و امثال این موارد. زیرا رسول خدا e می‌فرماید:

«أخوف ما أخاف عليكم الشرك الأصغر» يعني: «بیشترین ترس من درباره ی شما شرک اصغر است». از ایشان e درباره آن پرسیده شد، پاسخ دادند: «الرياء» «عملی یا سخنی یا حالتی را به مردم نشان دادن».

این حدیث را امام احمد، طبرانی و بیهقی با إسناد حسن از محمود بن لبید انصاری t روایت کرده اند. همچنین آن را امام طبرانی با إسناد حسن از محمودبن لبید، از رافع بن خدیج و سپس از رسول خدا e روایت کرده است.

همچنین رسول خدا e در ارتباط با سوگند خوردن به غیر نام خدا فرموده است: «من حلف بشيء دون الله فقد أشرك» یعنی: «هر کس به چیزی غیر از نام خدا سوگند بخورد یقیناً شرک آورده است» و ایشان e درجایی دیگر می‌فرمایند: «من حلف بغير الله فقد كفر أو أشرك».

یعنی: «هر کس به غیر از نام خدا به چیزی دیگر سوگند بخورد قطعاً کافر شده یا آنکه شرک ورزیده است».

این حدیث را امام احمد با إسناد صحیح از عمربن الخطاب t روایت کرده است و امام ابوداود و ترمذی آن را با إسناد صحیح از عبدالله بن عمر ـ رضی الله عنهما ـ و سپس از رسول خدا ﷺ روایت کرده اند.

رسول خدا e در ارتباط با خواست و اراده خدا و انسانها چنین فرموده است: «لا تقولوا ما شاء الله و شاء فلان، ولكن قولوا: ما شاء الله ثم شاء فلان».

این حدیث را امام ابوداود با إسناد صحیح از حذیفه بن یمان ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده است.

«نگویید: آنچه خدا خواست و آنچه فلانی خواست، بلکه بگویید: آنچه خدا خواست سپس فلانی خواست».

این نوع از شرک، کفر نبوده و سبب جاودانگی انسان در دوزخ نمی گردد، بلکه هر آنچه مانع کمال برای رسیدن به توحید حقیقی و کامل گردد ترک آن واجب می‌باشد.

شرک مخفی و پنهانی: دلیل ما در اینجا سخن رسول الله e است: «ألا أخبركم بما هو أخوف عليكم عندي من المسيح الدجال؟! قالوا: بلي يا رسول الله؟ قال: الشرك الخفي، يقوم الرجل فيصلي فيزين صلاته، لما يري من نظر الرجل إليه».

«آیا دوست دارید شما را از آنچه که نزد من خطرش برای شما از مسیح دجال(دروغگوی بزرگی که خود را مسیح می‌نامد و در آخر زمان برای آزمایش مسلمانان می‌آید و هر کس که به او ایمان نیاورد با ابتلاءات سختی مواجه می شود) بیشتر است آگاه سازم ؟! اصحاب گفتند: بله، ای رسول خدا، ایشان e فرمود: شرک پنهانی و مخفی، مانند مردی که قیام می‌کند و نماز می‌خواند و نمازش را آنچنان زیبا خوانده و آرایش می‌دهد(با خشوع و طمأنینه و ...) که مردمان به او نگاه کرده و سبب جلب توجه او می شود.

شاید بتوان شرک را به دو دسته تقسیم کرد، شرک اکبر و شرک اصغر. زیرا شرک مخفی و پنهانی می‌تواند در هر دو نوع شرک اکبر و شرک اصغر داخل شود. همانگونه که مثلاً

بیماری نفاق در زمره شرک اکبر داخل می‌شود، چون شخص منافق عقیده باطلش را ریاکارانه پنهان کرده و سعی می‌نماید به سبب ترس از جانش یا توطئه ای، تظاهر به مسلمان بودن کند.

و به همین صورت دیدید که در حدیث محمود بن لبید انصاری و حدیث ابوسعید خدری، ریاء به عنوان شرک اصغر آمده بود. **و الله ولی توفیق .**

درس پنجم :
(رکن) احسان و نیکوکاری:

احسان، عبارت از آن است که چنان عبادت و بندگی را انجام دهی که گویا خداوند متعال را می‌بینی، و حداقل اگر نتوانستی این حالت را در خویش پدید آوری، یقین داشته باشی که او تو را می‌بیند، و زیر نظر دارد. (بنابراین مواظب حرکات و سکنات خویش باش).

درس ششم:
شرایط نه گانه نماز:

1 ـ مسلمان بودن.

2 ـ داشتن عقل.
3 ـ تشخیص و تمییز بین خوب و بد.
4 ـ داشتن وضو.
5 ـ پاک کردن و برطرف کردن نجاست و پلیدی.
6 ـ پوشانیدن عورت با لباس پاک.
7 ـ داخل شدن وقت (زمان) نماز.
8 ـ ایستادن رو به قبلَه (روىَ آوردن به قبله).
9 ـ داشتن نیت و قصد برای نماز.

درس هفتم :

ارکان چهارده گانه نماز:

1 ـ ایستادن برای نماز خواندن (قیام) به شرط قدرت و توانایی بر آن.
2 ـ گفتن تکبیر (تکبیره الإحرام) هنگام شروع نماز.
3 ـ خواندن سوره فاتحه.
4 ـ رکوع (خم شدن در نماز بگونه ای که زانوها گرفته شود).
5 ـ اعتدال و طمأنینه بعد از رکوع (هنگامی که سر از رکوع برداشته می‌شود لازم است کاملاً آرامش حاصل کرد و سپس به سجده رفت).
6 ـ سجده بر اعضای هفتگانه.

7 ـ اعتدال و طمأنینه. (آرامش در سجده بدون عجله).
8 ـ نشستن در میان دو سجده.
9 ـ طمأنینه و آرام بودن در تمامی این ارکان نماز.
10 ـ رعایت ترتیب ارکان نماز.
11 ـ خواندن «التحیات» در آخر نماز.
12 ـ نشستن برای خواندن «تحیات آخر».
13 ـ درود (صلوات) فرستادن به رسول خدا e.
14 ـ سلام دادن به سمت راست و چپ.

درس هشتم:

واجبات نماز:

1 ـ گفتن تمامی تکبیرات نماز غیر از «تکبیره الإحرام».
2 ـ گفتن، سمع الله لمن حمده. (برای امام و منفرد).
3 ـ گفتن، ربنا لک الحمد. (برای امام و منفرد).
4 ـ گفتن، سبحان ربی العظیم. (در رکوع).
5 ـ گفتن، سبحان ربی الأعلی، (در سجده).
6 ـ گفتن، رب اغفر لی. (در میان دو سجده).
7 ـ خواندن تحیات اول.
8 ـ نشستن برای تحیات اول.

درس نهم :

آموزش التحيات :

«التحيات لله والصوات والطيبات، السلام عليك ايها النبي ورحمه الله وبركاته، السلام علينا وعلي عباد الله الصالحين، أشهد أن لا اله الا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله».

«تمامی ستايش ها، درودها، نمازها و تمامی پاکی‌ها از آن خداوند يکتاست، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای پيامبر! سلام بر ما و بر تمامی بندگان صالح و نيکوکار خدا. شهادت و گواهی می‌دهم که هيچ معبود بر حقی جز الله وجود ندارد، و شهادت و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداست».

اگر نماز دو رکعتی بود (مانند: نماز صبح، جمعه، عيدين) نمازگزار بعد از خواندن «التحيات» به نشستن ادامه می‌دهد و نمازش را با خواندن اين درود و دعا، کامل کرده و تمام می‌کند.

«اللهم صل علي محمد و علي آل محمد، كما صليت علي ابراهيم و علي آل ابراهيم، انك حميد مجيد، و بارك علي محمد و علي آل محمد، كما باركت علي ابراهيم وعلي آل إبراهيم، انك حميد مجيد».

«خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرست، همانگونه که بر ابراهیم وآل ابراهیم، درود و رحمت فرستاده ای، همانا تو بسیار مورد ستایش هستی و بزرگواری، بر محمد و آل محمد برکت و خیر نازل فرما، همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت و خیر نازل فرموده ای، همانا تو بسیار مورد ستایش هستی و بزرگواری».

نمازگزار بهتر است از چهار چیز به خداوند پناه ببرد.

«اللهم اني اعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنه المحيا والممات، ومن فتنه المسيح الدجال».

«خداوندا! از عذاب سوزان و گدازنده دوزخ، از عذاب قبر، از فتنه ها، آزمایشهای زندگان و مردگان (زندگی و برزخ) و از فتنه و آزمایش مسیح دروغین (دجال) به تو پناه می برم».

نمازگزار بعد از خواندن درود و دعای فوق، هر چه از خیر دنیا و آخرت بخواهد می‌تواند دعا کرده و از خداوند طلب کند، و فرقی ندارد که در نمازهای فرض یا سنت یا نافله باشد. آنگاه صورتش را به سمت راست گردانیده و سلام می‌دهد:

«السلام عليكم و رحمه الله» و سپس صورتش را به سمت چپ گردانیده و همین سلام را تکرار می‌کند.

درس دهم :

سنتهای نماز :

1 ـ دعای شروع نماز (استفتاح).

2 ـ قرار دادن کف دست راست بر پشت دست چپ بر روی سینه هنگام ایسَتادن (قیام) در نماز حتی هنگامی‌که نمازگزار از رکوع سر بلند کرده و می‌ایستد.

3 ـ بلند کردن دستها در حالیکه انگشتان به هم چسبیده و دستها باز است تا مقابل کتفها (دوشها) یا مقابل گوشها، در هنگام گفتن تکبیره الإحرام، و هنگام رفتن به رکوع، و از رکوع برخاستن، و هنگام بلند شدن از تشهد اول (التحیات) برای رکعت سوم.

4 ـ بیش از یک بار گفتن «سبحان ربي العظيم» در رکوع و «سبحان ربي الأعلي» در سجده.

5 ـ دعای بلند شدن از رکوع: «ربنا لك الحمد ... »، و همچنین دعای بین دو سجده: «رب اغفرلي وارحمني واجبرني ... » تا آخر.

6 ـ در هنگام رکوع، سر را با پشت در یک راستا قرار دادن.

7 ـ در هنگام سجده، بین دستها و پهلوها، شکم و رانها، و رانها و ساقها فاصله ایجاد کردن.

8 ـ بلند کردن دستها تا آرنج از زمین به هنگام سـجده. (بلنـد داشتن ذراع از زمین = فاصله نوک انگشتان تـا آرنـج را ذراع گویند).

9 ـ در هنگام تشهد اول، و بین دو سجده بر روی پـای چـپ نشستن، در حالیکه پای راست بر روی زمین بصورت عمودی نصب شده است.

10 ـ در هنگـام تـشهد آخـر بـصورت متـورک نشـستن بدینصورت که پای چپ از زیر پـای راسـت بیـرون بیآیـد و شخص بر روی نشیمنگاه خویش قرار می‌گیرد (مقعدش روی زمین قرار می گیرد) و پای راسـت را هماننـد تـشهد اول بـر روی زمین عمودی نصب می‌کند.

11 ـ از ابتدای تشهد (اول و اخیـر) تـا آخـر آن بـا انگـشت شهادت اشاره کرده و در هنگام دعا کردن آن را به حرکت در آورد.

12 ـ درود و صلوات ابراهیمی در تشهد.

13 ـ دعا کردن در تشهد آخر.

14 ـ در نمازهای صبح، دو رکعت اول مغرب و عـشاء، نمـاز جمعه و عیدین قرائت سوره ها را با صدای بلند.

15 ـ در نمازهای ظهـر، عـصر، عـشاء رکعـت هـای سـوم و چهارم و در رکعت سوم نماز مغرب، قرائت آهـسته و سـرّی سوره ها.

16 ـ هر آنچه از آیـات قـرآن بعـد از سـوره حمـد خوانـده می‌شود ضمن مراعات سنت های دیگر نماز مانند: گفتن «ربنا لک الحمد» بعد از رکـوع بـرای امـام، و مقتـدی و منفـرد، و همچنین قرار دادن دستها بر زانو در حالت رکوع در حالی‌که بین انگشتان باز است.

درس یازدهم :

مبطلات هشتگانه نماز:

1 ـ در حالت هوشیاری و آگاهی از روی عمد در نماز سخن گفتن. اما چنانچه از روی فراموشی یعنی اینکه نادانی یا آنکـه نمی دانست سخن گفتن در نماز جایز نیست، نمـازش باطـل نمی‌شود.

2 ـ خندیدن هنگام نماز.

3 ـ خوردن چیزی هنگام نماز.

4 ـ نوشیدن. (هر چه باشد).

5 ـ کشف عورت نمازگزار. (به شرط آنکه از روی عمد باشد).
6 ـ بیش از اندازه از سمت و جهت قبله منحرف شدن.
7 ـ بازی و حرکت بیهوده و پی در پی در نماز.
8 ـ شکستن و باطل شدن وضو.

درس دوازدهم :

شرایط دهگانه وضو:

1 ـ مسلمان بودن شخص وضو گیرنده.
2 ـ عاقل بودن. (بر دیوانگان لازم نخواهد بود وضو بگیرند).
3 ـ بالغ بودن شخص وضو گیرنده.
4 ـ نیت کردن برای وضو (مستحب است که نیت کند تا زمانی که طهارت پایان نیافته و کامل نشده، آن را ادامه دهد).
5 ـ پایان یافتن و تمام شدن آنچه خود موجب وضو می‌شود. (وضو گرفتن را واجب می کند).
6 ـ استنجاء و استجمار قبل از وضو. (پاک کردن محل خروج مدفوع و ادرار را با آب یا شیء تمیز کننده ای دیگر).
7 ـ طاهر و پاک بودن آب وضو.
8 ـ مباح بودن آب وضو.

9 ـ برطرف کردن آنچه بر روی پوست که مانع رسیدن آب به آن می‌شود.

10 ـ داخل شدن وقت نماز برای کسیکه دائماً بی وضو است. (به خاطر بیماری که به سبب آن نمی‌تواند وضوی خویش را حفظ کند).

درس سیزدهم :

فرایض ششگانه وضو:

1 ـ شستن تمامی صورت که شامل مضمضه (آب در دهان کردن) و استنشاق (آب در بینی کردن) هم می‌شود.

2 ـ شستن دستها تا آرنج.

3 ـ مسح کردن تمامی سر و بدنبال آن مسح گوشها.

4 ـ شستن پاها تا شتالنگها (قوزکها).

5 ـ رعایت ترتیب در وضو.

6 ـ پی در پی وضو گرفتن (موالات).

مستحب است که :

1 ـ دستها، پاها و صورت هر کدام سه بار شسته شود.

2 ـ سه بار آب در دهان و بینی کردن و شستن آنها، اما یک بار شستن دهان و بینی واجب است.

3 ـ سنت در مسح سر فقط یک بار است و در احادیث صحیح آمده به عدم تکرار در مسح سر.

درس چهاردهم :

موارد ششگانه باطل کننده وضو:

1 ـ هر چیزی که از مجاری ادراری یا دفعی خارج شود.

2 ـ هر چیز نجسی که بمقدار زیاد از بدن خارج شود.

3 ـ زوال عقل با خوابیدن یا به غیر از آن (مانند: دیوانگی، از هوش رفتن و غیره).

4 ـ تماس مستقیم دست با شرمگاه (آلت تناسلی) بدون آنکه چیزی بین آن دو حائل شده باشد.

5 ـ خوردن و تناول گوشت شتر.

6 ـ خارج شدن از دین اسلام. (خداوند ما و تمامی مسلمانان را از این مصیبت در پناه خویش حفاظت بفرماید) مرتد شدن، یعنی از دین برگشتن.

یادآوری بسیار مهم:

بر اساس صحیح ترین نظر علماء، شخصی که مرده ای را می‌شوید وضویش باطل نمی‌شود و اکثریت علماء و

دانشمندان علوم اسلامی این نظریه را تأیید می‌کنند زیرا دلیلی بر ردّ این نظریه وجود ندارد.

ولی اگر دستش به آلت تناسلی مرده در حال شستن خورد واجب است که وضو بگیرد.

واجب است که شرمگاه (آلت تناسلی) مرده ای که غسل داده می‌شود مستقیماً با دست لمس نشود بلکه باید با دستکش یا پارچه ای و یا چیزی دیگر لمس شود.

این را باید دانست که دست زدن به زن یا لمس کردنش وضو را نشکسته و باطل نمی‌کند، حال تفاوتی ندارد که از روی شهوت باشد یا نه. مطابق با صحیح ترین نظریه دانشمندان اسلامی تا زمانی که از آلت مرد چیزی (مانند منی یا مذی) خارج نشود وضو باطل نمی‌گردد، زیرا روایت صحیح است که رسول خدا e همسران خویش (امهات المؤمنین) را می‌بوسید و بدون آنکه مجدداً وضو بگیرد با همان وضو، نماز می خواند.

تفسیر آیه «أو لامستم النساء».

مطابق با صحیح ترین نظریه علماء و دانشمندان اسلامی، منظور از « لمس» در اینجا جماع و همبستری زناشویی است

و این نظریه را ابن عبـاس ـ رضـی الله عنهـا ـ و تعـدادی از علماء سلف و پیشین و برخی از علمای متآخر تأیید می‌کنند.

و الله ولی التوفیق.

درس پانزدهم :

گوشه ای از ویژگی‌های مـسلمان و اخـلاق وی در شـرع مطهر اسلام:

1 ـ صداقت در گفتار و کردار. (راستگو بودن).

2 ـ امانت دار و امینِ مردم بودن.

3 ـ داشتن عفت و پاکدامنی.

4 ـ داشتن شرم و آزرم. (حیاء).

5 ـ شجاع و بی باک بودن.

6 ـ وفا نمودن به عهد و پیمان.

7 ـ بخشنده بودن و گذشت داشتن.

8 ـ پاک بودن و پرهیز داشتن از حرامهای الهی.

9 ـ محبت و نیکی کردن به همسایگان.

10 ـ کمک کردن و یاری به مستمندان و تهی‌دسـتان در حـد توان.

همچنین سایر صفات اخلاقی و اجتماعی که در قرآن و سنت آمده است.

درس شانزدهم :

آداب اسلامی:

1 ـ سلام کردن به دیگران.

2 ـ خوش رویی و داشتن چهره باز با مردم (مسلمانان).

3 ـ با دست راست غذا خوردن و نوشیدن.

4 ـ گفتن «بسم الله» در ابتدای خوردن و آشامیدن (نوشیدن)، و حمد و سپاس پروردگار را گفتن بعد از پایان (إتمام) آن.

5 ـ عطسه کننده بگوید: الحمد لله، و در جواب به وی گفته شود: یرحمک الله، و سرانجام عطسه کننده در جواب او بگوید: یهدیکم الله ویصلح بالکم.

6 ـ آداب داخل و خارج شدن از مسجد.

7 ـ آداب ورود و خروج از منزل.

8 ـ آداب رفتن به مسافرت. (سفر کردن).

9 ـ آداب رفتار با پدر و مادر و نیکی به آنان.

10 ـ نیکی به خویشاوندان و همسایگان.

11 ـ آداب برخورد و رفتار با سالمندان.

12 ـ شفقت و مهربانی با کودکان.

13 ـ تبریک گفتن به کسی‌که خداوند به وی فرزندی جدید می‌دهد.

14 ـ تبریک گفتن به عروس و داماد هنگام ازدواج.
15 ـ گفتن تسلیت به کسی که از نزدیکان یا دوستانش کسی مرده باشد.
16 ـ آداب لباس پوشیدن و پوشاک.
17 ـ آداب کفش پاکردن و در آوردن آن.

درس هفدهم :

پرهیز از شرک و گناهان:

موارد هفت گانه گناهان کبیره که رسول خدا e آنها را سبب نابودی و هلاکت انسان نامیده است:

1 ـ شرک آوردن به خدا. (کسی را با خدا شریک گرفتن).
2 ـ جادوگری و ساحری.
3 ـ کشتن انسان (زیرا خداوند آن را حرام کرده است) مگر به حق.
4 ـ ربا دادن و گرفتن (نزول خواری).
5 ـ خوردن و پایمال کردن اموال یتیمان.
6 ـ فرار از میدان جنگ.
7 ـ تهمت زدن (نسبت دروغ) به زنان مؤمن و پاکدامن.

مواردی دیگر از گناهان کبیره:

1 ـ نافرمانی از پدر و مادر و آزار آنان.

2 ـ قطع صله رحم (بر هم زدن صمیمیت و بی‌ارتباطی در میان خویشاوندان).

3 ـ شهادت و گواهی دروغ (جعلی).

4 ـ سوگند به دروغ خوردن.

5 ـ آزار رساندن به همسایگان.

6 ـ ستم کردن در خون، جان، مال، و ناموس مردم.

7 ـ میگساری و شرابخواری. (نوشیدن مشروبات الکلی ومست کننده).

8 ـ قمار بازی (به آن میسَر هم گفته می‌شود).

9 ـ غیبت کردن از یکدَیگر.

10 ـ سخن چینی و نمّامی.

درس هیجدهم:

احکام جنازه و چگونگی نماز بر آن:

1 ـ این امر جایز است که به شخص در حال سکرات (لحظات احتضار، دم مرگ) جمله «لا اله الا الله» را تلقین کرد، آن را بگوید ؛ زیرا رسول خدا e فرموده است: «لقنوا موتاکم

لا الـه الا الله». این حدیث را امام بخاری و امام مسلم هـر دو روایت کرده اند.

به مردگانتان (لحظات آخر زندگی، دم مرگ) جمله «لا اله الا الله» را تلقین کنید. (تا آن را تکرار کنند).

2 ـ زمـانی کـه یقـین کردیـد کـه شـخص مـرده اسـت، چشمهایش را بر روی هم بگذاریـد (چـشمهایش را ببندیـد) زیرا این عمل در سنت هدایت بخش پیامبر e آمده است.

3 ـ واجب است جنازه مسلمان غسل داده شود مگر آنکـه در میدان جنگ به شهادت رسیده باشد، زیرا شهید میدان نبرد، نه غسل داده می‌شود، و نه نمازی بر او خوانده می‌ـشود، و نـه اینکه در کفن قرار داده می‌شود، و فقط با همان لباسش دفـن می‌شود ؛ زیرا رسول خدا e شـهدا و کـشته شـدگان غـزوه (جنگهای رسول خدا e با دشمنان دین) احد را نشسته، و بر آنان نماز هم نخواندند.

4 ـ نحوه غسل دادن جنازه (میت).

عورت (شرمگاهش) را پوشانده، و او را از زمین کمی بلند کرده و اندکی به شکمش فشار داده شود. بعد از آن کسی کـه غسل می‌دهد دستمال یا پارچه ای را دور دستش می‌پیچـد و نجاست ها را پاک می‌کند. سپس همانند وضو برای نمـاز، او

را وضو می‌دهند، بعد سر و ریشش را با آب و سدر یا با ماده شوینده دیگری (صابون، شامپو، ...) می‌شویند، ابتدا سمت راست بدنش، و سپس سمت (طرف) چپ بدنش را می‌شویند. در بار دوم و سوم او را غسل می‌دهند. در هر بار (غسل دهنده) دستش را به آرامی بر روی شکم میت می‌کشد تا اگر نجاستی بیرون بیاید، آن را پاک کند و بعد محل خروج نجاست را با پنبه یا چیزی شبیه آن ببندد و اگر با این چیزها نشد، با گِل، یا چسب و امثال آن محل را ببندد، بار دیگر وضوی میِت را تجدید کند. چنانچه میت با سه بار شستن پاک نشد، پنج یا هفت بار می‌تواند او را بشوید، و در پایان او را خشک کرده و در زیر بغل و محلهای پنهان و مواضع سجده مرده عطر قرار دهد. چنان که بهتراست تمام بدن میت معطر گردد.

کفن میت با بخور و ماده ای خوشبو معطر گردد، و چنانچه سبیل یا ناخنهایش بلند بود، کوتاه گردد، اما چنانچه این کار انجام نشد گناهی صورت نگرفته است. موهایش شانه نمی شود، و موهای شرمگاه کوتاه نمی‌گردد، و اگر ختنه نشده بود، ختنه نمی‌گردد، زیرا بر این اعمال دلیلی وجود ندارد.

موی سرمیت اگر زن باشد به سه دسته تقسیم شده و پشت سر انداخته می‌شود.

5 ـ احکام کفن میّت.

بهتر است مرد با در سه پارچه سفید کفن کنند، در این سه تکه عمامه و پیراهن وجود ندارد، این همان روشی است که رسول e کفن گردید. میت در کفن پیچیده می‌شود اگر چنانچه میت در ازار و ملفقه (چادر شب) پیچیده شود مانعی نخواهد داشت.

زنان در پنج پارچه کفن می‌شوند. پسر بچه در یک تا سه پارچه کفن می‌شود. دختر بچه در یک پارچه و دو ملافه کفن می‌شود.

اما در واقع برای تمامی مردگان (از مرد، زن، بچه) واجب آن است که در یک پارچه پیچیده و کفن شوند بگونه ای که تمام بدن پوشیده شود. چنانچه میت در حالت احرام (در حج یا عمره) باشد او را با آب و سدر شسته، یا در همان لباس احرام، یا پارچه ی دیگر کفن می‌کنند، اما سر و صورتش را نمی‌پوشانند، و عطر هم به وی نمی‌زنند، زیرا وی در روز قیامت تلبیه گویان (لبيك اللهم لبيك ...) مبعوث و محشور

خواهد شد. این عمل از احادیث رسول خدا e ثابت شده است.

اما چنانچه محرم (شخص در حالت احرام) زن باشد مانند زنان دیگر وی را کفن می‌کنند، و به او عطر نمی‌زنند، و صورتش را با روبند، و دستهایش را با دستکش نمی‌پوشانند، اما صورتش را با پارچه کفن می‌پوشانند. (قبلا نحوه کفن کردن زنان بیان شد).

6 ـ سزاوارترین و شایسته ترین شخص به غسل دادن میت و نماز خواندن بر او کسی است که میت درباره وی وصیت کرده باشد، بعد از او، پدر، پدربزرگ، و بعد اقوام و خویشاوندان مرد نزدیک به او، سزاوارتر هستند.

در موردَ زنان هم، شایسته ترین فرد به غسل دادن کسی است که زن او را وصیت کرده است، بعد از او، مادر، مادر بزرگ، و بعد اقوام و خویشاوندانِ زن نزدیک به او، سزاوارتر هستند.

جایز است که زن و شوهر هر یک اگر مُرد دیگری وی را بشوید، زیرا هنگامی که ابوبکر صدیق t وفات یافت همسرش او را شست.

همچنین نقل شده است علی ابن ابی‌طالب **t** همسرش فاطمه الزهراء ـ رضی الله عنها ـ را شست.

7 ـ چگونگی نماز جنازه:

با تکبیر اول، سوره فاتحه خوانده می‌شود، اگر بـه همـراه آن سوره کوتاهی با یک یا دو آیه از قرآن خوانده شـود بهتـر است. این نحوه قرائت در حدیثی از ابـن عبـاس ـ رضـی الله عنهما ـ آمده است.

با تکبیر دوم، بر رسول خدا **e** درود و صـلوات فرسـتاده می‌شود مشابه همان درودی که در نماز خوانده می‌شود.

با تکبیر سوم، این دعا خوانده می‌شود.

«اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا، وصغيرنا وكبيرنا، وذكرنا وأنثانا، اللهم من أحييته منا، فأحيه عـلي الإسـلام، ومـن توفيته منا فتوفه علي الإيمان، اللهم اغفر له، وارحمه وعافه، واعف عنه، وأكرم نزله، ووسع مدخله، واغسله بالمـاء والـثلج والـبرد، ونقه من الخطايا كما ينقي الثوب الأبيض من الدنس، وأبدله داراً خيراً من داره، وأهلاً خيراً من أهله، وأدخلـه الجنـه وأعـذه مـن عذاب القبر، وعذاب النار، وافسح له في قبره، ونور له فيه، اللهم لا تحرمنا أجره ولا تضلنا بعده ...».

{این حدیث را مسلم، ترمذی ونسایی وابن ماجه روایت کرده اند}.

«خداوندا!، زندگان ما را، و مردگانمان را، و حاضران، و غایبانمان را، و کودکانمان(کوچک های‌مان و بزرگانمان)، و مردان و زنان ما را، بیامرز و ببخشای، خداوندا! هر کس از ما را که زنده می‌گردانی بر آیین اسلام زنده گردان، و هر کس را که از ما می‌میرانی بر ایمان بمیران، خداوندا! بر (این میت) رحم کن، و او را ببخشای، و عافیت را نصیبش کن، و از وی در گذر و معافش کن، جایگاهش را گرامی دار، و قبرش را گسترده بگردان، او را با آب، برف و تگرگ (یخ) غسل بده و از اشتباهات پاکش گردان، همانگونه که پارچه ای سفید از چرک و آلودگی پاک می‌شود، به او منزلی بهتر از خانه دنیایش بده، و خانواده ای بهتر از خانواده اش عطا کن، او را وارد بهشت کن، و او را از عذاب قبر و عذاب جهنم در پناه خویش نگه دار.

خداوندا! ما را از پاداش او محروم مگردان، و (همچنین) ما را بعد از او گمراه و منحرف مکن».

مستحب است هنگام هر تکبیر دستها بلند گردد.

چنانچه مرده (میت) زن بود دعـا را در عربـی بـه صـیغه مونث می‌خوانیم، اگر تعداد مرده ها (میتها) چند نفـر بودنـد، دعای عربی را به صیغه جمع می‌خوانیم.

چنانچه مرده (میت) کودک یا نوزاد بـود، دعـای مغفـرت خوانده نمی‌شود و به جای آن، دعای زیر خوانده می‌شود.

«اللهم اجعله فرطاً لوالديه، وذخراً شفيعاً مجاباً، اللهـم ثقّـل به موازينهما، وأعظم به أجورهما، اللهم اجعله في كفالـه ابـراهيم u ، وألحقه بصالح سلف المـؤمنين وقـه برحمتـك مـن عـذاب الجحيم». {المغنی لابن قدامه 416/3}.

«خداوندا! او را پاداش، گنجینه، شـفاعت کننـده، و پاسـخ دهنده ای برای پدر و مادرش قرار بده. خداوندا! توسـط ایـن کودک ترازوی اعمالشان را سـنگین بگـردان، و بـدین خـاطر پاداش شان را زیاد کن. خداوندا! این کـودک را در کفالـت و حضانت ابراهیم u قـرار بـده، و وی را بـه مؤمنـان صـالح پیشین (سلف صالح) ملحق بگردان. و با رحمت خودت او را از عذاب دوزخ حفظ بگردان».

سنت آن است که امام در مقابل سر جنازه اگر مـرد باشـد بایستد، و اگر زن بود در مقابل وسط پیکـر جنـازه بایـستد. و اگر چند جنازه از مرد و زن باشد. جنازه مـرد را مقابـل امـام

قرار می‌دهند، و جنازه زن را در جهت قبلـه و پـشت جنـازه مرد قرار می‌دهند، یعنی بعد از جنازه مرد گذاشته می‌شود، و اگر جنازه کودک بود، پشت جنازه پسربچه بعد از جنازه مرد، سـپس جنـازه زن قـرار داده می‌ـشود، و بعـد از آن جنـازه دختربچه در جهت قبله بعد جنازه زن، پشت سر هم گذاشـته می‌شود.

جنازه ها بدینصورت قرار داده می‌شوند که سر هر جنـازه مقابل جنازه قبلی قرار می‌گیرد. سر پسربچه مقابل سر مرد، و میانه سر زن مقابل سر مرد، و سر دختربچه مقابل سر زن قرار می‌گیرد.

نمازگزاران همگی پشت سر امام می‌ایستند و چنانچه یک نفر از نمازگزاران جایی در پشت سر امام نیافت، می‌توانـد در دست راست امام بایستد.

هشتم: چگونگی دفن میت (در گور قرار دادن مرده):

بهتر آن است که قبر (گور) عمیق باشد. بدینگونه که عمق آن حدود نصف قامت یک مرد متوسط القامه باشـد. و دیگـر اینکه در درون گور (قبر) لَحد ایجاد کنند. و جهت آن هم بـه سمت قبله باشد.

مرده را بر روی دست راست (پهلوی راست) داخل لَحد می‌گذارند، و سپس گره کفن را باز کرده، و بدون آنکه سر جنازه برهنه و آشکار گردد. تفاوتی ندارد که مرده، مرد یا زن باشد. بعد از آن بر آنجا خشت، یا گل می‌گذارند تا مطمئن شوند خاک داخل آن نمی ریزد. اگرَ توانستند خشت بگذارند وگرنه هر چیز دیگر مانند لوح یا سنگ یا تخته که مانع داخل شدن خاک به داخل آن شود. حالا خاک را می‌ریزند و گور را پر می‌کنند. مستحب است در این زمان گفته شود: «بسم الله و علي ملّة رسول الله» یعنی: «به نام خدا و بر امت رسول خدا این مرده را می‌گذاریم».

ارتفاع سطح قبر از زمین به اندازه یک وجب می‌باشد، و چنانچه امکان داشت روی آن مقداری سنگریزه ریخته و آب می‌پاشند.

بر کسانی که جنازه را تشییع کرده اند سنت است که بر سر قبر ایستاده و برای میت دعای خیر بنمایند. روایت شده که رسول خدا e بعد از دفن میت بر سر قبر او ایستاده و چنین می‌فرمودند:

«استغفروا لأخیکم و سلوا له التثبیت فإنه الآن یسأل».

{به روایت ابوداود، حاکم، بیهقی و دیگران}.

«برای برادرتان طلب آمرزش نمایید، و برای او پایداری و ثبات در سخن حق بطلبیـد، زیـرا از او الآن سـؤال می‌ـشود. (یعنی در حال حاضر دو فرشته الهـی (منکـر و نکیـر) از وی امتحان می‌گیرند)».

نهم: نماز جنازه بعد از دفن میت:

چنانچه کسی قبل از دفن میّت نتوانست بر وی نماز جنازه بخواند، برای او جایز است که بعد از دفن هم بر میّـت نمـاز جنازه بخواند، و این مدت حدودا تا یک ماه می‌توانـد باشـد، زیرا رسول خدا e این عمل را انجام داده اند، و بیشتر از یک ماه دیگر جایز نمی‌باشد بدین علت که در حـدیث یـا اثـری نیامده است که رسول خدا e بعد از یک ماه از دفن میّت بر وی نماز جنازه خوانده باشد.

دهم: نوحه خوانی و غذا دادن برای میّت:

جایز نیست صاحب عـزا (عـزاداران و سـوگواران) بـرای مردم و کسانی که برای تسلیت به نـزد آنـان می‌آینـد غـذا و خوراک تهیه و آماده کنند. زیرا صـحابی بزرگـوار جریـز بـن عبدالله بجلی گفته است: «ما در زمان حیات رسـول خـدا e جمع شدن برای عزاداری و آماده کردن غذاَ بعد و دفن میّـت از انواع نیاحت و سوگواری را ناروا می دانستیم.

اما برای صاحبان عزا منعی وجود ندارد که برای خودشان و میهمانهای‌شان غـذا تهیـه کننـد، البتـه بهتـر آن اسـت کـه خویشاوندان و همسایگان برای صاحبان عزا غذا پخته یا تهیه کنند. زیرا زمانی که خبر شهادت جعفر بـن أبی‌طالـب t در سرزمین شام به رسـول خـدا e رسـید، ایـشان بـه خـانواده خویش دستور دادند تا برای خانواده جعفر بـن أبی‌طالـب e غذا تهیـه کننـد و سـپس فرمودنـد: (امـروز) بـر آنـان امـری (مصیبتی) گذشته است که آنان را به خودشان مشغول ساخته و نگرانشان کرده است.

«اصنعوا لآل جعفر طعاماً فإنه قد أتاهم أمر يشغلهم».

{این حـدیث را احمـد، ابـوداود، ترمـذی، ابـن ماجـه و دیگران روایت کرده اند}.

همچنین مانعی وجود ندارد که صاحبان عزا از غذایی کـه برایشان تهیه شده همسایگان و یا دیگران را دعوت کنند. ودر ارتباط با گفتن تسلیت وقت معینی در شرع وارد نشده است.

یازدهم: زمان سوگواری برای زنان:

برای زنان جایز نیست که بیش از سه روز عزاداری کننـد، مگر برای شوهرانشان. زیرا در این حالت بر زن واجب اسـت چهار ماه و ده روز سوگواری کند. اما چنانچه باردار (حاملـه)

بود مطابق با احادیث صحیح که گذشت باید سوگواریش را تا هنگام زایمان ادامه دهد.

ولی بر مردان جایز نیست برای خویشاوندان و نزدیکانشان و یا دیگران سوگواری کرده یا عزا بگیرند.

دوازدهم:

برای مردان جایز است که هر چندگاه به زیارت گورستانها رفته و برای مردگان دعا کرده و طلب رحمت برایشان بنمایند، زیرا این دیدار برای آنان یادآوری از آخـرت و سرانجامـشان میباشد. زیـرا رسـول خـدا e فرمـود: «زوروا القبـور فإنهـا تذكركم الآخره». {به روایت امام مسلم}.

«... به دیدار قبرها بروید، زیرا این قبور، آخرت را به یاد شما می‌آورد».

رسول خدا e به اصحاب و یارانشان می‌گفتند: هرگاه به گورستان (قبرستان) رفتید این دعا را بخوانید:

«السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمـسلیمن، وإنـا إن شاء الله بكم لاحقون، نـسال الله لنـا ولكـم العافيـه، يـرحم الله المستقدمين منا والمستاخرين».

{به روایت مسلم، احمد و نسایی}.

«سلام بر شما ای ساکنان این سرزمین از تمامی مؤمنـان و مسلمانان، و ما هم اگـر خداونـد بخواهـد بـه شـما خـواهیم پیوست، از خداوند برای خودمان و شـما عافیـت و سـلامتی می‌خواهیم و خداوند به تمامی کسانی که قبـل از مـا از دنیـا رفته اند، و یا بعد از ما از دنیا خواهند رفت رحمت کند».

اما برای زنان جایز نیست که به زیارت قبرسـتانها برونـد، زیرا رسول خدا e فرموده است: «لعن الله زائرات القبور».

{به روایت احمد، ابن ماجه، حاکم، بیهقی ودیگران}.

«خداوند، زنانی را که به زیـارت قبرهـا می‌رونـد نفـرین (لعنت) کند.

زیرا با رفتن زنان بـه قبرسـتانها بـیم برخاسـتن فتنـه ٔ بـی صبری، کم حوصلگی، فریاد و شیون می‌رود. همچنین صحیح نیست که زنان در تشییع جنازه شرکت نمایند زیرا رسول خدا e آنان را از این عمل نهی کرده و بر حذر داشته است.

اما خواندن نماز جنازه در مسجد یا مصلی برای مـردان و زنان جایز است.

این مطلب آخرین چیزی بود که توانستم جمع آوری کنم.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.